

بازتعریف عدم‌النفع و مقایسه آن با مفاهیم مشابه^۱

اصغر محمودی*

استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۷

پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸

چکیده

فقدان تعریف مشخص از عدم‌النفع و خلط آن با مفاهیم مشابه موجب شده این نهاد حقوقی در هاله‌ای از ابهام و تردید قرار گیرد. ابهام در مفهوم عدم‌النفع را هم می‌توان در تحلیل‌های نظری و هم در رویه محاکم مشاهده کرد. این در حالی است که عدم‌النفع در صنعت، تولید و تجارت مورد توجه قرار گرفته و اهمیت خاصی دارا است. مؤید این امر، پذیرش عدم‌النفع و اقبال گسترده به آن در صنعت بیمه جهان و ایران است. مقاله حاضر از طریق بازتعریف عدم‌النفع و مقایسه آن با نهادهای مشابه، در بستر مطالعات تطبیقی، تعریف مشخصی از عدم‌النفع ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که عدم‌النفع، مفهومی متفاوت از تفویض منفعت، فوت فرصت و زیان اقتصادی دارد. همین‌طور نشان می‌دهد که نفی مطلق عدم‌النفع، تفویض منفعت، فوت فرصت و زیان اقتصادی با واقعیت‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی مغایرت دارد و باید با به‌کارگیری معیارها و ضوابط عرفی، در مواردی حکم به جبران این خسارات داد.

واژگان کلیدی: عدم‌النفع، تفویض منفعت، فوت فرصت، زیان اقتصادی، زیان محض اقتصادی

۱. این مقاله با هزینه دانشگاه پیام نور تهیه شده است.

* نویسنده مسئول مقاله:



۱. مقدمه

یکی از خسارت‌هایی که با نقض قرارداد و هنجارهای عرفی مورد ادعا قرار می‌گیرد، عدم‌النفع است. بنابراین، بحث از عدم‌النفع در مسؤلیت قراردادی و قهری از اهمیت زیادی برخوردار است.

اکثر کشورها و اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، این نوع خسارات را قابل مطالبه می‌دانند، اما در حقوق ایران قابلیت مطالبه این زیان‌ها مورد تردید قرار گرفته است. علاوه بر این مفهوم عدم‌النفع نیز روشن نیست و این نهاد با مفاهیم مشابه همچون تفویت منفعت، فوت فرصت و زیان اقتصادی خلط می‌شود.

مطالعات انجام شده هم در رفع ابهام از این موضوع توفیق چندانی نداشته‌اند. از این رو، مقاله حاضر با رویکردی متفاوت از تحلیل‌های مطرح شده سعی دارد ابهام نظری موجود را رفع کند تا شاهد تشنت کم‌تری در آرای محاکم باشیم.

سؤالات مقاله حاضر عبارتند از: (۱) عدم‌النفع چیست؟ (۲) عدم‌النفع با مفاهیم مشابه چون تفویت منفعت، فوت فرصت و زیان اقتصادی چه تفاوتی دارد؟ (۳) آیا می‌توان عدم‌النفع، تفویت منفعت، فوت فرصت و زیان اقتصادی را قابل مطالبه دانست؟ (۴) از چه معیارهایی می‌توان در قابلیت جبران این زیان‌ها بهره گرفت؟

در پاسخ به سؤالات مذکور، ابتدا به تبیین مفهوم عدم‌النفع می‌پردازیم. سپس آن را با نهادهای مشابه مقایسه می‌کنیم. همین‌طور در ضمن مباحث، به امکان جبران این خسارات و نیز ملاک‌هایی که باید برای قابلیت جبران این نوع خسارات به کار گرفت، اشاره می‌کنیم.

۲. عدم‌النفع

ذیل این بحث، مفهوم عدم‌النفع از منظر حقوق‌دانان، حقوق خارجی و صنعت بیمه بررسی می‌شود. در ادامه به ضوابطی اشاره می‌شود که در محاسبه عدم‌النفع مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲-۱. از منظر حقوق‌دانان

عدم‌النفع در نگاه حقوق‌دانان از مفهوم روشنی برخوردار نیست. اغلب عدم‌النفع را محرومیت از منفعت می‌دانند. اینان اعتقاد دارند اگر منفعت فوت شده مسلم باشد، قابل جبران و اگر احتمالی باشد، غیر قابل جبران است و حکم ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر غیر قابل مطالبه بودن عدم‌النفع را صرفاً ناظر به محرومیت از منفعت احتمالی می‌دانند [۱، ص ۱۲۷؛ ۲، ص ۵۳].

یکی از حقوق‌دانان عدم‌النفع را فوات منفعت (از بین رفتن منفعت بدون استیفا) می‌داند که گاهی ناشی از اثبات ید عدوانی بر مال و یا حبس انسان کاسب و صنعتگر است و گاهی هم ناشی از ممانعت است؛ مثل این‌که نگذارند مالک از اتومبیل یا خانه خود استفاده کند. فوات منفعت گاه به جهت وضع ید است و گاه نیز به جهت منع از تحصیل نفع، بدون این‌که وضع یدی صورت گرفته باشد. درخصوص فوات منفعت به جهت وضع ید، قریب به اتفاق فقهای امامیه و قانون مدنی قائل به ضمان منافع غیرمستوفات به تبع ضمان عین هستند که در این خصوص می‌توان به مواد ۲۶۱ و ۳۲۰ قانون مدنی اشاره کرد. اما در مورد فوات منفعت به جهت منع از تحصیل نفع، مشهور فقها و قانون مدنی عقیده دارند که عدم‌النفع قابل مطالبه و مضمون نیست. با وجود این، محقق اردبیلی حکم عدم ضمان را قابل تأمل دانسته است [۳، ص ۱۰۱ تا ۱۰۴].

حقوق‌دان دیگری دو معنا برای عدم‌النفع قائل است: (۱) عدم‌النفع در معنای عام، (۲) عدم‌النفع در معنای خاص. عدم‌النفع در معنای عام شامل محرومیت از منافع عین، منافع شخص و محرومیت از نفع مترتب بر عمل و تعهد می‌شود. عدم‌النفع در معنای خاص، صرفاً محرومیت از نفع مترتب بر عمل و تعهد را در بر می‌گیرد، مانند این‌که نویسنده‌ای که متعهد شده است کتابی را در مورد موضوع معین تألیف کند، از انجام تعهد خود سر باز زند و به این جهت متعهدگه از درآمد ناشی از انتشار کتاب مزبور محروم گردد [۴، ص ۲۵۷]. از منظر ایشان، حکم ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر غیر قابل مطالبه بودن عدم‌النفع صرفاً شامل عدم‌النفع در معنای خاص می‌شود [۴، ص ۲۵۷].^۱

۱. برای دیدن نظر مشابه رجوع کنید به: [۵، ص ۲۶۲].



ایراد نظر اول و دوم این است که «عدم النفع» را با «تفویت منفعت» که اصطلاحی مستقل است، خلط می‌کند. در بحث از تفویت منفعت، ایرادات این تحلیل مطرح و به تفاوت آن با عدم النفع اشاره می‌شود.

نظر سوم در تبیین مفهوم عدم النفع در معنای خاص، از این حیث که تفویت منفعت را از عدم النفع تفکیک می‌کند، موجه به نظر می‌رسد، لکن دارای ایرادات زیر است: یک) مبنای تقسیم عدم النفع به «عدم النفع در معنای عام» و «عدم النفع در معنای خاص» مشخص نیست.

دو) مشخص نشده است که «عمل» چه خصوصیتی دارد که عدم النفع در معنای خاص صرفاً به آن محدود و «عین» و «شخص» از مقوله آن خارج شده است.

سه) «عدم النفع در معنای خاص» را قابل مطالبه نمی‌داند هرچند جدی و مسلم باشد. چهار) وقتی می‌توان دو معنای عام و خاص برای «نفع» قائل شد که رابطه نفع و منفعت، به لحاظ منطقی، عموم و خصوص مطلق باشد، به این صورت که هر «منفعتی»، «نفع» محسوب شود، ولی هر «نفعی» لزوماً «منفعت» محسوب نشود، اما این تلقی درست نیست؛ زیرا نفع و منفعت یا مفهوم عرفی دارد یا حقوقی. اگر مفهوم عرفی را مبنا قرار دهیم، رابطه آن‌ها از نوع تساوی خواهد بود و اگر مفهوم حقوقی را ملاک قرار دهیم، رابطه آن‌ها از نوع تباین خواهد بود. توضیحاً این‌که در عرف، واژه‌های «نفع» و «منفعت» به جای هم استفاده می‌شوند. بنابراین این دو واژه مترادف هستند و رابطه آن‌ها از نوع تساوی خواهد بود. ولی در زبان حقوقی، این دو واژه از هم متفاوتند و رابطه آن‌ها از نوع تباین است. از همین رو سکونت در خانه، یا سواری گرفتن از اتومبیل «منفعت» محسوب می‌شود، نه «نفع» و نیز درباره کسی که کالایی را صد واحد خریداری کرده و به صد بیست واحد می‌فروشد، گفته می‌شود بیست واحد «سود و یا نفع» برده، نه «منفعت».

پنج) قائل شدن مفهوم گسترده برای «نفع»، به طوری که «منفعت» را نیز شامل شود، خلاف اصل استعمال لفظ در معنای حقیقی است.^۱

۱. تقدم حقیقت به مجاز عبارت است از آن‌که دو چیز در اتصاف به یک وصف مشترک باشند؛ با این تفاوت که ←

به نظر می‌رسد عدم‌النفع را باید چنین تعریف کرد: محرومیت از سود مورد انتظار که در صوت فقدان فعل زیانبار (در مسئولیت قهری) و یا انجام تعهد موضوع قرارداد (در مسئولیت قراردادی)، عاید شخص می‌شد.

محرومیت از سود ممکن است کلی باشد. به‌عنوان مثال، تأخیر در تعمیر شناور لوله‌گذار موجب عدم اجرای پروژه لوله‌گذاری در بستر دریا شده و در نتیجه پیمانکار از سود پروژه محروم شود. همین‌طور ممکن است جزئی بوده، شخص بخشی از سود خود را از دست بدهد. به‌عنوان مثال، به دلیل عرضه کالای ناقص حق اختراع، سود سالانه شخص از ۱۰۰ واحد به ۵۰ واحد کاهش یابد.

برخلاف منفعت که صرفاً در مورد عین و شخص موضوعیت پیدا می‌کند، سود علاوه بر عین و شخص، در مورد عمل نیز مطرح می‌شود. در مثال‌های مطرح شده ذیل تفویض منفعت در صفحات بعد، مفهوم این اصطلاح و تفاوت آن با عدم‌النفع بیان می‌شود.

۲-۲. در حقوق خارجی

عدم‌النفع، معادل واژه انگلیسی *loss of profit* است که در حقوق خارجی به محرومیت از سود اطلاق می‌شود. مراد از سود، محرومیت از هر نوع سود به معنای مصطلح و نیز منافع است. در این نظام‌ها اصطلاح مذکور معنایی گسترده‌تر از عدم‌النفع در حقوق ایران دارد، به طوری که علاوه بر محرومیت از سود، خساراتی از جنس تفویض منفعت را نیز شامل می‌شود.

خسارت عدم‌النفع به طور گسترده در کشورهای کامن‌لو و کشورهای دارای حقوق نوشته پذیرفته شده است. در این زمینه می‌توان به انگلیس، کانادا، استرالیا، آمریکا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و اسپانیا اشاره کرد [۷، ص ۹ تا ۱۶]. حتی گفته شده اصل

→ اتصاف یکی از آن‌ها ذاتی است و اتصاف دیگری بالعرض. در این صورت موجودی که ذاتاً متصف به چیزی شده است بر موجودی که به عرض متصف شده است تقدم حقیقی دارد [۶، ص ۲۲۶].



جواز مطالبه عدم النفع چنان مسلم است که امروزه به یکی از قواعد عمومی حقوق خصوصی بین‌المللی مبدل گردیده است [۷، ص ۳۱]. البته مطالبه عدم النفع به تحقق شرایط زیر منوط شده است: مسلم بودن زیان، قابلیت پیش‌بینی زیان و رابطه سببیت. حتی حقوق آلمان شرط قابلیت پیش‌بینی زیان را لازم نمی‌داند [۷، ص ۱۷ تا ۱۸].

ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی وین نیز عدم النفع را در زمره خساراتی قرار می‌دهد که به واسطه نقض قرارداد، متخلف باید به طرف مقابل بپردازد. این ماده با ارائه ضابطه «پیش‌بینی»، خسارت عدم النفع را به مواردی محدود می‌کند که نقض‌کننده در زمان انعقاد قرارداد پیش‌بینی کرده و یا بایست پیش‌بینی می‌کرده است.

۲-۳. در صنعت بیمه

خطرهای پیش روی صنعت و تولید، تقاضای تحصیل پوشش بیمه‌ای برای عدم النفع را در صاحبان صنایع ایجاد کرده است. شرکت‌های بیمه در پاسخ به این تقاضاهای فزاینده، عدم النفع را بیمه می‌کنند. بیمه عدم النفع انواع مختلفی دارد که بیمه عدم النفع آتش‌سوزی، ماشین‌آلات، تجهیزات الکترونیکی، تمام خطر نصب و توقف تأسیسات انرژی از این قبیل هستند [۸، ص ۱۶ تا ۲۲].

در بیمه عدم النفع، شرکت بیمه‌گر خسارات وارد شده از قبیل هزینه‌های جاری (حقوق و دستمزد کارکنان و کارگران) و سود خالص از دست رفته در دوره بازسازی و توقف تولید را به بیمه‌گذار پرداخت می‌کند [۸، ص ۱۲؛ ۹، ص ۲۰]. در صنعت بیمه، عدم النفع علاوه بر سود محروم شده، فوت منفعت را نیز شامل می‌شود. بنابراین، سود فرضی فروش کالایی که به علت آتش‌سوزی از بین رفته است، یا محرومیت از اجاره‌بهای آپارتمانی که به واسطه آتش‌سوزی از بین رفته، عدم النفع تلقی می‌شود [۸، ص ۱۶ تا ۱۷].

۲-۴. معیارهای محاسبه

برای محاسبه میزان نفع، از معیارهای مختلفی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، ایالت‌های آمریکا با استفاده از روش‌های ذیل عدم‌النفع را محاسبه می‌کنند [۱۰، ص ۱۷ تا ۲۰؛ ۱۱، ص ۲؛ ۱۲، ص ۴؛ ۱۳، ص ۲۰ تا ۲۲]:

۲-۴-۱. روش قبل و بعد^۱

در این شیوه، از طریق مقایسه سود قبل و بعد از حادثه زیانبار، نفع از دست رفته محاسبه می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر سود شرکتی قبل از وقوع فعل زیانبار، ۱۰۰ واحد بوده و بنا به فعل زیانبار به ۷۵ واحد کاهش یافته است، زیان عدم‌النفع ۲۵ واحد است. این روش وقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که شرکت فعالیت قبلی و سابقه سوددهی داشته باشد.

۲-۴-۲. روش مقایسه‌ای^۲

در این روش، برای محاسبه عدم‌النفع، فعالیت خواهان را با شرکت‌های مشابه در صنعت مربوطه مقایسه می‌کنند، به طوری که اگر خواهان آن شیوه را در بازار یا صنعت مشخصی تعقیب می‌کرد، آن‌ها را به دست می‌آورد. این شیوه وقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که شرکت سابقه سوددهی نداشته باشد یا قبل از به دست آوردن سود کافی از بازار بیرون رانده شده باشد. به‌عنوان مثال، این روش در دعوی *America, s Favorite Chicken v. Samaras* (1996) به کار گرفته شد. در این دعوا، خواننده به دلیل کوتاهی در ساخت دو رستوران زنجیره‌ای محکوم شد. هرچند رستوران‌ها هرگز ساخته نشد، ولی بر مبنای فرانشیز رستوران‌های مشابه، خواننده به ۱/۵ میلیون دلار محکوم شد.

1. before and after
2. yardstick



۲-۴-۳. روش سهم بازار از دست رفته^۱

در این روش، فرض می‌شود که خواهان با فعالیت خود می‌توانسته است سهم خاصی را در بازار به خود اختصاص دهد که به دلیل کوتاهی خواننده این امر محقق نشده است. بنابراین، خواننده به میزان ارزش سهم خواهان در بازار مسؤول خواهد بود.

۲-۴-۴. روش طرح فروش^۲

طبق این روش، سود مازادی که خواننده در نتیجه فعل ناقص به دست آورده است، پس از کسر هزینه‌هایی که خواهان متحمل می‌شده است، مینا قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، اگر شرکتی به حق اختراع مخترع تجاوز کرده و به تولید و فروش محصولاتی مبادرت کند، عدم‌النفع عبارت خواهد بود از ارزش فروش محصولات منهای هزینه‌هایی که خواننده در تولید و عرضه محصولات متحمل شده است.

۳. تفویض منفعت

همان‌طور که ذکر شد، حقوق‌دانان و محاکم اغلب «عدم‌النفع» را با «تفویض منفعت» خلط می‌کنند. از دیدگاه اینان، عدم‌النفع دو گونه است: فوت منفعت مسلم و فوت منفعت احتمالی. نوع اول قابل مطالبه و نوع دوم غیر قابل مطالبه است [۱، ص ۱۲۷؛ ۱۴، ص ۶۳ تا ۶۵].

مطالعه حقوق خارجی هم نشان می‌دهد که در این کشورها، اصطلاح خاصی تحت عنوان «تفویض منفعت» - به طوری که مفهومی مستقل از «عدم‌النفع» داشته باشد - وجود ندارد و «تفویض منفعت» به مفهومی که در حقوق ایران دارد، ذیل عناوین «عدم‌النفع» و «زیان اقتصادی تبعی» بررسی می‌شود.

شاید خلط «تفویض منفعت» با «عدم‌النفع» توسط حقوق‌دانان ایرانی نیز ناشی از همین مطالعات خارجی باشد، حال آن‌که با توجه به تفکیک «تفویض منفعت» از «عدم‌النفع» در

1. lost market share model
2. sales projection

منابع فقهی و فقدان تأسیس حقوقی تحت عنوان «زیان اقتصادی» در حقوق ایران و نیز از همه مهم‌تر، ممنوعیت مطالبه «عدم‌النفع» بنا به ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، خلط مزبور مشکلات عملی عدیده بر جای خواهد گذاشت.

به هر حال، این تعبیر از عدم‌النفع چند ایراد دارد: اولاً مسلم بودن از شرایط ضرر قابل مطالبه است و بدیهی است اگر ضرری مسلم نباشد، قابل مطالبه نیست و لذا قید آن به منفعت برای تمیز منفعت قابل مطالبه از منفعت غیر قابل مطالبه زائد است. ثانیاً در این تحلیل، مفهوم نفع با منفعت خلط شده است، حال آن‌که همان‌طور که قبلاً دیدیم، این دو واژه در زبان حقوقی متفاوتند. ثالثاً مشکلات عملی مختلفی به‌ویژه در محاکم بر تحلیل فوق مترتب می‌شود؛ زیرا عدم‌النفع برای اکثر محاکم ابهام دارد و خلط مزبور موجب می‌شود که ابهام عدم‌النفع به تفویت منفعت نیز تسری پیدا کند.

شایان ذکر است که مراد از منفعت، صرفاً منفعت حاصل از عین نیست و منفعت حاصل از جسم شخص یا به تعبیر دیگر منفعت شخص نیز داخل در مفهوم منفعت می‌شود. به همین دلیل است که قانون مدنی در مواد مختلف منجمله ماده ۵۱۲ و ۵۱۳، اجاره اشخاص را پذیرفته است و از منافع اجیر بحث می‌کند که با عقد اجاره به ملکیت مستأجر در می‌آید.

فوت منافع موجب ضمان است، خواه مربوط به عین باشد، خواه مربوط به شخص. در تأیید این مدعا می‌توان به مقررات مختلف قانون مدنی در بحث اتلاف، غصب و اجاره همچون مواد ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۸ و ۴۷۹ اشاره کرد.

بنا به مراتب فوق می‌توان گفت تفویت منفعت عبارت است از تلف منفعت موجود یا ممانعت از ایجاد آن در آینده؛ مثل این‌که تعمیرکار در تعمیر اتوبوسی که مالک قصد داشته آن را اجاره دهد، یک ماه تأخیر کند و در نتیجه مالک اتوبوس از منافع آن محروم شود، یا کارگر میوه‌های روی درختان باغ را نچیند و میوه‌ها فاسد شوند. در فوت منفعت، موضوع تلف عبارت است از چیزی که به تدریج از عین یا عمل شخص ایجاد می‌شود که در زبان حقوقی منفعت نامیده می‌شود. ولی همان‌طور که دیدیم عدم‌النفع عبارت است از محرومیت از سود و نفعی، بدون این‌که از عین یا عمل شخص مستقیماً زاده شود. در مثال‌های زیر، فرق بین این دو اصطلاح بیان می‌شود:



۱. دو قطعه زمین کشاورزی با شرایط یکسان در مجاورت هم قرار دارند. قطعه شماره یک به «الف» تعلق دارد که هر سال آن را اجاره می‌داده است. قطعه شماره دو به «ب» تعلق دارد که هر سال خود از آن بهره‌برداری می‌کرده است. اگر شخصی هر دو قطعه را غصب کند، باید به مالک قطعه شماره یک، خسارتی به میزان ارزش منفعت فوت شده پرداخت کند که فرض کنیم پنج میلیون تومان است و به مالک قطعه شماره دو، خسارتی به میزان سود خالص محروم شده بپردازد که ممکن است از پنج میلیون تومان کم‌تر یا بیش‌تر باشد.

۲. شخص «الف» با طرح دعوای واهی، دستور موقتی مبنی بر توقف فعالیت کارخانه «ب» می‌گیرد. کارخانه «ب» به مدت یک سال متوقف می‌شود و در نتیجه «ب» از سود محروم می‌شود. اگر سوابق دفاتر «ب» نشان دهد که به طور میانگین ماهانه ۵۰ میلیون تومان سود خالص داشته، مجموع سود از دست رفته ۶۰۰ میلیون تومان خواهد بود. اما اگر بخواهیم به جای نفع محروم شده، به منفعت از دست رفته حکم دهیم، باید با مراجعه به کارشناس، منفعت کارخانه را برآورد کنیم که ممکن است از سود تقویم شده کم‌تر یا بیش‌تر باشد. بدیهی است در فرضی که همین کارخانه، بنا به هر دلیلی، سود کم‌تری داشته باشد (مثلاً سالانه یکصد میلیون تومان) یا سودده نباشد، میزان منفعت از میزان سود بیش‌تر خواهد بود. در هر حال، به نظر می‌رسد که در این مورد، حکم به پرداخت سود در مقایسه با پرداخت منفعت موجه‌تر است، مگر این‌که مالک کارخانه قصد داشته آن را اجاره دهد.

۳. مالک اسبی قصد داشت در ۹ روز اول نمایشگاه بین‌المللی، اسب خود را جهت سواری اجاره دهد و در روز دهم آن را بفروشد که به دلیل غصب موفق به این کار نشده است. اگر روزانه صد هزار تومان جهت اجاره در نظر بگیریم، از مالک نهصد هزار تومان منفعت زایل شده است و اگر مالک اثبات کند که در روز دهم می‌توانست اسب را دو میلیون تومان بالاتر از قیمت بازار داخلی بفروشد، از دو میلیون تومان سود نیز محروم شده است.

۴. فوت فرصت

یکی از مفاهیمی که شباهت زیادی با عدم‌النفع دارد، خسارت ناشی از فوت فرصت است. به‌عنوان مثال، به علت کوتاهی پزشک در تشخیص بیماری، فرصت معالجه از بیمار گرفته شود یا به علت کوتاهی وکیل در تجدیدنظرخواهی، فرصت نقض رأی از موکل گرفته شود یا به علت بازداشت، شخص فرصت شرکت در جلسه آزمون استخدامی یا مزایده را از دست دهد.

نظام‌های حقوقی مختلف در مواجهه با فرصت فوت شده برخورد یکسانی ندارند. کشورهایمانند فرانسه، بلژیک و هلند این خسارات را پذیرفته‌اند. کشورهایمانند آلمان، اتریش، سوئیس و یونان موضع مخالف دارند. کشورهایمانند نروژ و فنلاند نیز رویکرد مشخصی ندارند. کشورهایمانند انگلیس و آمریکا هم در بعضی موارد خسارات ناشی از فوت فرصت را پذیرفته‌اند [۱۵، ص ۲۸-۲۹].

در نظام حقوقی ایران جایگاه این زیان‌ها مشخص نیست. هرچند حقوقدانان در پرتو مطالعات تطبیقی کوشیده‌اند این ضررها را قابل مطالبه اعلام کنند، لکن تردیدهایی در این زمینه وجود دارد.

به نظر می‌رسد این ابهام ناشی از تحلیل نادرست است. در این قسمت می‌کوشیم تحلیلی دقیق و نو از فوت فرصت ارائه کنیم تا ضمن روشن شدن مفهوم فوت فرصت، بتوانیم حکم حقوقی آن را بیان کنیم.

فرصت در لغت به معنای وقت، مجال و موقعیت است. در زبان حقوقی هم مفهومی غیر از این ندارد و فوت آن به خودی خود مسئولیت‌زا نیست. آنچه فوت فرصت را با اهمیت می‌کند، آثار مترتب بر آن است. به این صورت که ممکن است ضرر معنوی یا مادی یا معنوی و مادی را توأمان به همراه داشته باشد. گاهی نیز ممکن است هیچ ضرری به بار نیاورد. به هر حال، فرصت مقوله مستقلی از خسارات محسوب نمی‌شود، بلکه در مواقعی صرفاً بستر ورود خسارت را فراهم می‌سازد.

با این تعبیر، خسارات ناشی از فوت فرصت را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. فوت فرصت ممکن است موجب ضرر مادی شود. ضرر مادی ممکن است عین،



منفعت، حق یا نفع باشد. به عنوان مثال، به علت کوتاهی قصاب در ذبح حیوانی که در شرف مرگ است، حیوان بمیرد و گوشت آن غیر قابل مصرف گردد، یا کارگر در موعد مقرر میوه‌های باغ را نچیند و با فوت فرصت، میوه‌ها فاسد شوند، یا تلف خانه‌ای موجب شود که فرصت استفاده از حق انتفاع از خانه، از منتفع گرفته شود، یا افشای اطلاعات مربوط به اختراع موجب شود که فرصت ثبت اختراع از مخترع گرفته شود و حق مخترع لطمه ببیند، یا منع شخصی از شرکت در نمایشگاهی موجب شود که وی از نفعی (فروش به قیمت بالاتر) محروم گردد.

۲. فوت فرصت ممکن است ضرر معنوی وارد آورد. به عنوان مثال، منع شخص از شرکت در مسابقه المپیک یا آزمون استخدامی که موجب تألمات روحی زیان‌دیده می‌شود، یا کوتاهی در تجدیدنظرخواهی توسط وکیل موجب شود که فرصت نقض رأی از موکل گرفته شده و به علت حبس، حیثیت و اعتبار او لطمه ببیند.

۳. فوت فرصت ممکن است موجب ضرر مادی و معنوی گردد. به عنوان مثال، کوتاهی در تشخیص بیماری، فرصت حفظ پای شخص را گرفته، پای وی قطع شود (ضرر معنوی). همچنین هزینه‌های جراحی، دارو و درمان (ضرر مادی) به شخص وارد شود.

۴. فوت فرصت ممکن است منجر به ضررهایی شود که در حقوق تطبیقی از آن‌ها به زیان اقتصادی یا زیان محض اقتصادی تعبیر می‌شود که در مباحث بعدی به توضیح آن می‌پردازیم. به عنوان مثال، به علت تشخیص نادرست بیماری، دست شخص قطع شود (خسارت فیزیکی). به دلیل قطع دست، ممکن است هزینه‌های جراحی، دارو و درمان به شخص وارد شود یا شخص قدرت کارکردن را از دست بدهد (زیان اقتصادی). همین‌طور ممکن است به دلیل از دست دادن قدرت کارکردن، ثالثی از مستمری ماهانه که از زیان‌دیده دریافت می‌کرده است، محروم شود (زیان محض اقتصادی).

همان‌طور که دیدیم ممکن است در نتیجه فوت فرصت خسارات مختلفی از قبیل تلف عین، تقویت منفعت، لطمه به حق، محرومیت از نفع، ضرر معنوی یا زیان اقتصادی به شخص وارد شود، بنابراین محدود کردن آثار فوت فرصت صرفاً به محرومیت از نفع-

آن طور که در تحلیل‌های ارائه شده از فرصت وجود دارد- درست نیست. اگر فوت فرصت منجر به تلف عین، فوت منفعت یا لطمه به حق یا ایراد ضرر معنوی بشود، باید حکم به جبران این گونه خسارات داد، ولی نفع یا عدم‌النفع مورد تردید واقع شده است. با توجه به لزوم مراجعه به عرف در تشخیص ضرر و از آن‌جا که عرف، نفع مسلم یا نفعی را که امکان حصول آن بسیار زیاد است ضرر قلمداد می‌کند، باید قائل به جبران این موارد نیز بود. بدیهی است که نفعی مطلق عدم‌النفع قابل پذیرش نیست و در مواردی همچون عمد یا تقصیر فاحش زیان‌زننده با عقل سلیم، انصاف و عدالت مغایرت آشکار دارد. زیان اقتصادی ناشی از فوت فرصت هم در صورت دارا بودن شرایطی که در بحث آتی ذکر می‌شود، قابلیت مطالبه دارد.

در تأیید قابلیت مطالبه خسارات ناشی از فوت فرصت در حقوق ایران می‌توان به مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مدنی اشاره کرد. ماده ۵۳۵ بیان می‌دارد: «اگر عامل زراعت نکند و مدت منقضی شود، مزارع مستحق اجرت المثل است». در این ماده که عامل با عدم زراعت و یا به تعبیر دیگر با فوت فرصت زراعت، موجب شده حصه‌ای عاید مزارع نشود، در مقابل مزارع مسؤول اعلام شده است. بنابراین مسؤولیت در قبال فوت فرصت پیش‌بینی شده است؛ هرچند که قانونگذار، در شکل جبران خسارت، به جای اعلام مسؤولیت عامل بر ارزش حصه از حاصل با نظر کارشناس، وی را مسؤول اجرت‌المثل زمین دانسته است که ممکن است کم‌تر یا بیش‌تر از نظر کارشناس باشد.

حکم به خسارت بدلی (پرداخت اجرت‌المثل) به جای خسارت اصلی (پرداخت میزان حصه از دست رفته)، هرچند خلاف اصل است، ولی شاید قانونگذار به این دلیل آن را پذیرفته که تقویم آن ساده‌تر است. شاید هم دلیل آن این است که عامل با فوت فرصت زراعت موجب شده منفعت زمین تفویض گردد. در هر حال، صرف‌نظر از ماهیت این خسارات، آنچه مسلم است، این است که این خسارات به واسطه فوت فرصت ایجاد شده‌اند.

ماده ۵۳۶ قانون مدنی با صراحت بیش‌تری به این موضوع اشاره دارد. این ماده بیان می‌دارد: «هرگاه عامل به طور متعارف مواظبت در زراعت نکند و از این حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگری متوجه مزارع گردد، عامل ضامن تفاوت خواهد بود».

در این ماده، عامل به دلیل کوتاهی در مواظبت، مسؤول کسر حاصل یا ضررهای دیگر اعلام شده است. کوتاهی در مواظبت اگر موجب شود فرصت رسیدن به کل حاصل از دست برود، یا ضررهای دیگری به مزارع برسد، عامل مسؤول خواهد بود. به عنوان مثال، میزان حاصل در مقایسه با زمین‌های اطراف به نصف کاهش پیدا کند و یا کیفیت نامرغوب‌تری داشته باشد که قیمت آن سی درصد کم‌تر است.

در مقایسه عدم‌النفع با فوت فرصت می‌توان گفت فوت فرصت اصطلاح عام‌تری است که بعضی اوقات منجر به عدم‌النفع می‌شود و در بعضی مواقع نیز خسارات دیگری غیر از عدم‌النفع چون تلف عین، تفویت منفعت، ضرر معنوی، ضرر اقتصادی و... به بار می‌آورد.

۵. زیان اقتصادی

کشورهایی که زیان اقتصادی را پذیرفته‌اند، زیان را به سه دسته تقسیم می‌کنند: (۱) زیان فیزیکی،^۱ (۲) زیان اقتصادی،^۲ (۳) زیان محض اقتصادی.^۳

منظور از زیان فیزیکی، خسارت به مال و جسم است. به عنوان مثال، تلف اتومبیل به دلیل آتش سوزی و یا قطع پای شخصی به واسطه تصادف.

مراد از زیان‌های اقتصادی، خساراتی است که به واسطه خسارت فیزیکی به زیان‌دیده وارد می‌شود. به عنوان مثال، به دلیل تلف اتومبیل، زیان‌دیده تا زمان جایگزینی آن، از منافع اتومبیل محروم می‌شود یا به دلیل قطع پا، درآمد زیان‌دیده کاهش می‌یابد، یا هزینه‌های معالجه، جراحی و دارو را متحمل می‌شود. زیان اقتصادی شامل مواردی از جمله محرومیت از منافع، عدم‌النفع، فوت فرصت، هزینه‌های درمان معالجه و دارو می‌شود.

منظور از زیان محض اقتصادی، زیانی است که شخص متحمل می‌شود، بدون این‌که به مال یا جسم او خسارتی وارد آید (خسارت فیزیکی)، یا بتوان آن‌ها را نتیجه

1. physical damage
2. economic loss
3. pure economic loss

خسارات فیزیکی دانست (زیان اقتصادی). به‌عنوان مثال، وکیل در تهیه وصیتنامه بی‌دقتی می‌کند و در نتیجه موصی‌له از تملک موصی به محروم می‌شود یا رسوب نفت در ساحل دریا باعث می‌شود که هتل مجاور ساحل تا زمان پاک شدن لکه نفتی مسافران خود را از دست بدهد.

هر دو شق زیان اقتصادی، یعنی تبعی و محض اقتصادی با مفهوم عدم‌النفع تطابق دارد؛ چرا که در هر دو، شخص ممکن است از نفعی محروم شود، با این تفاوت که در اولی، محرومیت از نفع با آسیب جسمی یا مالی همراه است، ولی در دومی، شخص بدون آسیب جسمی یا مالی از نفعی محروم می‌گردد.

از مطالب فوق مشخص شد که دامنه زیان اقتصادی یا زیان محض اقتصادی وسیع است و مواردی همچون تلف مال (نظیر هزینه‌های معالجه، هزینه‌های درمان و دارو، هزینه‌های تعمیر، جایگزینی، تعویض)، تفویت منفعت (مانند محرومیت از منافع تا زمان جایگزینی یا تعمیر)، عدم‌النفع و فوت فرصت را شامل می‌شود. بنابراین، زیان اقتصادی در مقایسه با عدم‌النفع مفهوم عام‌تری دارد.

حال، موضع حقوق فرانسه، انگلیس، کانادا، آمریکا و ایران را در مورد این خسارات بررسی می‌کنیم.

۵-۱. فرانسه

در فرانسه از لحاظ نظری تفاوتی بین ضرر اقتصادی و سایر خسارات وجود ندارد و اصولاً در صوت تحقق شرایط مسؤولیت مدنی مطابق «اصل جبران کامل خسارت» هر نوع خسارتی قابل جبران است و در عمل دادگاه‌های این کشور خسارت‌های اقتصادی را نیز مورد حکم قرار می‌دهند [۱۶، ص ۶۳].

در این کشور، زیان اقتصادی آسیب به منافع مالی اعلام شده است که مستقیماً با پول قابل ارزیابی است. این خسارت ممکن است یک ضرر مسلم باشد که باعث می‌شود زیان‌دیده، چیزی را از دست بدهد؛ مانند عدم امکان بهره‌برداری، محرومیت از انتفاع یا هزینه‌های بیهوده که زیان‌دیده به ناگزیر متحمل شده است. هنگامی که به سلامت



جسمی زیان‌دیده آسیبی وارد می‌شود این خسات ممکن است هزینه‌های اقدامات لازم برای درمان، از دست دادن درآمد، ناشی از کاهش توان جسمی یا از کارافتادگی باشد. اما خسارت اقتصادی ممکن است عدم‌النفع باشد و آن زمانی است که زیان‌دیده از دارا شدن چیزی محروم شود، مانند معامله خوبی که در پی لغو نابهنگام یک سفارش، از دست رفته باشد [۱۷، ص ۱۸۴-۱۸۵].

همین‌طور ممکن است زیان اقتصادی به اشخاص دیگر وارد شود. به این صورت که ممکن است شخصی ادعا کند که از انعکاس خسارت شخص دیگر زیان‌دیده است. در این حال، با زیانی روبه‌رو هستیم که زیان «بازتاب یافته»^۱ «زیان کمانه کرده»^۲ یا «زیان غیر مستقیم»^۳ نامیده می‌شود [۱۷، ص ۱۹۱].

۲-۵. انگلیس

در این کشور هرچند زیان اقتصادی قابل مطالبه است، ولی مطالبه زیان محض اقتصادی در مسئولیت مدنی نسبت به حقوق قراردادها بسیار محدود است.^۴ قاعده اصلی در مسئولیت مدنی این است که زیان‌های محض اقتصادی غیر قابل مطالبه‌اند. با این حال، در موارد خاصی پرداخت آن‌ها تجویز شده است [۱۹، ص ۳۴۸]. دادگاه‌ها در موارد خاصی با اعلام این‌که «تکلیف مراقبت»^۵ نقض شده، رأی بر محکومیت خوانده می‌دهند، هرچند که خسارت وارد از نوع زیان محض اقتصادی باشد [۱۹، ص ۳۵۱]. محاکم با اعمال معیارهای مختلفی، تکلیف مراقبت را استنباط می‌کنند. به‌عنوان مثال، در دعوایی^۶ «قابل پیش‌بینی بودن زیان به طور متعارف»^۷ به‌عنوان

1. le prejudice reflechi

2. le prejudice par ricochet

3. le prejudice indirect

۴. به‌عنوان مثال جهت امکان مطالبه زیان اقتصادی توسط بیمار بر مبنای مسئولیت قراردادی رجوع شود به: [۱۸، ص

۱۹].

5. duty of care

6 . Donoghue v. Stevenson

7. reasonably foreseeable

ضابطه بیان شد یا در دعوای دیگری، «رابطه مجاورت خاص»^۱ به‌عنوان ملاک اعلام شد و یا در دعوای دیگری، «قابل پیش‌بینی بودن زیان به طور متعارف» و «رابطه خاص مجاورت» توأمان به‌عنوان ضابطه بیان شدند. در نهایت برای این‌که تعداد خواهان‌های احتمالی که ممکن است از رفتار یا اظهار تقصیر آ‌میز خوانده متأثر شوند، محدود گردد و جلوگیری از ادعاهای توسط اشخاص زیاد گرفته شود، دادگاه در دعوایی، «رابطه خاص مجاورت» را به این شرایط محدود کرد: اولاً خوانده بداند اظهاراتش به خواهان اعلام می‌شود؛ ثانیاً مشاوره در خصوص معامله خاص باشد و ثالثاً خوانده به طور معقول پیش‌بینی کند که خواهان به آن اظهارات اعتماد می‌کند [۱۹، ص ۳۵۲].

۵-۳. کانادا

در کانادا، زیان اقتصادی مفهومی شبیه حقوق انگلیس دارد. در این کشور، مطالبه زیان اقتصادی در مسئولیت مدنی صرفاً در موارد خاصی تجویز شده است، ولی در حقوق قراردادهای ممنوعیتی وجود ندارد [۲۰، ص ۳].

اگر تقصیر در اجرای خدمات، اظهارات تقصیر آ‌میز و یا کالا و یا بنای معیوب به زیان محض اقتصادی منجر شود، می‌توان آن را مطالبه کرد [۲۱، ص ۴-۵]. به‌عنوان مثال، در دعوایی^۲، روکش بیرونی ساختمان معیوب بود و قطعاتی از آن به زمین سقوط کرد. خریدار روکش را تعویض کرد و به دلیل سهل‌انگاری سازنده، برای هزینه‌هایی که جهت تعویض روکش متحمل شده بود، طرح دعوا کرد. دیوان عالی کشور به اتفاق رأی داد که در مسئولیت مدنی، وظیفه مراقبت بین سازنده و استفاده‌کننده بعدی وجود دارد، چه قابل پیش‌بینی بود که عیب ساختمان ممکن است خطری برای آن‌ها داشته باشد. بنابراین، خریدار حق دریافت زیان محض اقتصادی را دارد [۲۰، ص ۴-۵].

همین‌طور زیان محض اقتصادی را که در نتیجه خسارت به اموال یا صدمه به شخصی، به دیگران نظیر خویشاوندان و مرتب‌تین وارد می‌شود و از آن‌ها به «زیان اقتصادی مرتب‌تین»^۳ تعبیر می‌شود نیز می‌توان مطالبه کرد [۲۱، ص ۵]. به‌عنوان مثال،

1. special relationship of proximity
2. Winnipeg Condominium v. Bird Construction
3. relational economic loss



در دعوایی^۱ که اپراتور قایق یدککش با پل راه آهن متعلق به راه آهن ملی کانادا تصادم کرد، راه آهن به خاطر خسارت فیزیکی طرح دعوا کرد. سه شرکت دیگر که قرارداد حق انتفاع از پل را داشتند نیز به این دلیل که در نتیجه بی احتیاطی، در یک مقطع زمانی نتوانستند از پل استفاده کنند و زیان اقتصادی متحمل شده اند، علیه مالک قایق یدککش طرح دعوا کردند. دیوان عالی کانادا به دلیل نزدیکی و رابطه مجاورت خاص ادعا را پذیرفت.

۴-۵. آمریکا

در این کشور زیان اقتصادی را از خسارت به اموال متمایز می کنند. زیان اقتصادی در مواقعی مطرح است که عیب کالا صرفاً به خود کالا خسارت وارد آورد، بدون این که به اشخاص یا اموال دیگر آسیب برساند. به عنوان مثال، بی احتیاطی در تهیه چسب موجب شود که چسب تهیه شده از چسبندگی لازم برخوردار نباشد. در این مورد، به علت عدم چسبندگی مناسب، خریدار مستحق خواهد بود زیان های اقتصادی ناشی از ارزش نامناسب کالا و یا عدم النفع آن (به دلیل غیر قابل فروش شدن چسب خریداری شده) را مطالبه کند؛ اما اگر استفاده از چسب در کفشی موجب شود که خسارت به کفش وارد آید یا پای شخص آسیب ببیند، خسارت وارد شده یک نوع خسارت مادی است و زیان اقتصادی محسوب نمی شود [۲۲، ص ۱].

دکترین زیان اقتصادی که محاکم آن را ایجاد و توسعه داده اند و مورد پذیرش بیش تر ایالت های آمریکا قرار گرفته است، در شکل سنتی خود، جبران زیان اقتصادی را بر مبنای شبه جرم (تقصیر، مسؤولیت مطلق و...) منع می کند. معهذاً طرف متضرر می تواند بر طبق حقوق قراردادهای و نقض شرط تضمین، خسارت وارد به خود را مطالبه کند [۲۲، ص ۱].

موضع ایالت های آمریکا در قبال دکترین مذکور متفاوت است. بیش تر آن ها این

1. Canadian National Railway Co. v. Norsk Pacific Steamship Co

دکترین را که از آن به «قاعده اکثریت»^۱ نیز تعبیر می‌شود، پذیرفته‌اند. در این زمینه، می‌توان به ایالت‌های نیویورک، نیوجرسی، میسوری و فلوریدا اشاره کرد. بعضی از ایالات نظیر کلرادو، ویرجینا و لوئیزیانا دکترین مذکور را پذیرفته‌اند و به خواهان اجازه می‌دهند که بر مبنای مسئولیت مدنی طرح دعوا کند. رهیافت متخذ در این ایالت‌ها به «قاعده اقلیت»^۲ تعبیر می‌شود. بعضی از ایالت‌ها مانند واشنگتن، ماساچوست، میشیگان و کانزاس مقارن با افزایش استثنایا به قاعده اکثریت، موضع بینابینی اتخاذ کرده‌اند که به «قاعده بینابین»^۳ مصطلح است. قاعده بینابین شبیه قاعده اکثریت است، با این تفاوت که در موارد خاصی، طرح دعوا بر مبنای مسئولیت مدنی را اجازه می‌دهد. «عیب ناگهانی و فلاکت‌بار»^۴ و «خطر غیر متعارف لطمه و آسیب»^۵ از این موارد خاص هستند [۲۳، جدول صفحه ۱-۲۰].

۵-۵. حقوق ایران

در ابتدا لازم به ذکر است که حقوق ایران با زیان اقتصادی بیگانه نیست و در بعضی از مقررات، می‌توان رد پایی از این نوع زیان‌ها را مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، می‌توان به مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد. بر طبق ماده ۵ زیان‌دیده می‌تواند کلیه خسارت وارد به خود در نتیجه صدمه بدنی، از جمله کاهش قوه کار، از بین رفتن قوه کار و افزایش مخارج زندگانی را مطالبه کند. وفق ماده ۶ نیز نزدیکان متوفی می‌توانند هزینه‌های نگهداری را که از متوفی دریافت می‌داشته‌اند و با فوت وی از آن محروم شده‌اند، مطالبه کنند.

علاوه بر مواد فوق، نهاد خیار عیب و امکان مطالبه ارش توسط طرف متضرر قرارداد نیز با دکترین زیان اقتصادی در حقوق آمریکا مطابقت دارد.

افزون بر موارد فوق، از ابزار تفسیر قرارداد نیز در جبران این نوع زیان‌ها می‌توان

-
1. majority rule
 2. minority rule
 3. Intermediate rule
 4. sudden and calamitous
 5. unreasonable risk of injury



استفاده کرد. به عنوان مثال، وجود شرط صریح یا ضمنی در قراردادها مبنی بر سلامت مورد معامله، تناسب کالا برای مقاصد عام (و در موادی تناسب کالا برای مقاصد خاص)، لزوم رعایت صرفه موکل و منوب‌عنه، مجوز پرداخت هزینه‌های اضافی و خساراتی است که به دلیل عیب مورد معامله یا مناسب نبودن کالا برای مقاصد و یا مشاوره نادرست به طرف قرارداد وارد می‌شود.

در پاسخ به حکم زیان اقتصادی در حقوق ایران، بعضی از حقوقدانان عدم پذیرش این نوع زیان‌ها را جزء نقاط قوت نظام حقوقی ایران تلقی می‌کنند [۱۶، ص ۷۶]، ولی این تصور درست نیست و باید مثل حقوق کشورهای خارجی، بین زیان اقتصادی و زیان محض اقتصادی تفکیک قائل شد. زیان‌های اقتصادی، همچون منافع فوت شده، هزینه‌های درمان و هزینه‌های معالجه که نتایج اجتناب‌ناپذیر خسارت هستند، قابل جبران هستند. درخصوص زیان محض اقتصادی نیز نمی‌توان اعلام کرد که این نوع زیان‌ها مطلقاً غیر قابل مطالبه‌اند، بلکه در صورت تحقق شرایط مسؤلیت مدنی، به‌ویژه عمد زیان‌زننده، یا پیش‌بینی ضرر توسط وی، گریزی از جبران این نوع ضررها نیست؛ مثل آن‌که شخصی با قصد کاهش مسافرین هتل مجاور ساحل، آب ساحل را به لکه نفتی آلوده کند، یا شخصی به منظور ممانعت از تخلیه بار متعلق به «الف»، عمداً اسکله «ب» را تخریب می‌کند، یا وکیلی در تهیه وصیتنامه چنان تعمدی به خرج دهد که موصی‌له به موصی به نرسد، یا مشاور مالی، ارزش سهام شرکتی را که موکلش به دنبال خرید آن است، عمداً چند برابر تقویم کند و در نتیجه موکلش خساراتی را متحمل شود.

ارزیابی زیان‌های اقتصادی در بستر قواعد مسؤلیت مدنی، از یک طرف باعث می‌شود زیان معقولی جبران نشده باقی نماند و اصل «جبران کامل خسارت» که مسؤلیت مدنی به دنبال آن است، رعایت شود و از طرف دیگر، خیلی از مصادیق زیان اقتصادی که در حقوق خارجی، گاهی با تحلیل ناکافی، قابل جبران تلقی می‌شوند، در حقوق ایران قابلیت جبران نداشته باشند. به عنوان مثال، قتل مدیون برای جلوگیری از رسیدن طلبکار به طلب خود، دلیل کافی برای مسؤلیت مدنی قاتل نیست، چه دارایی مدیون وثیقه طلب طلبکاران است و طلبکار می‌تواند از محل آن، مطالبات خود را وصول

کند. حتی زیان اقتصادی که نزدیکان متوفی متحمل می‌شوند و طبق ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی ایران قابل مطالبه عنوان شده است، با فعل زیانبار رابطه سببیت مستقیم ندارد و از منظر تحلیلی وجهی برای جبران آن‌ها وجود ندارد.

نکته مهم دیگری که باید بدان توجه داشت، این است که نحوه تحلیل مسائل مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران با نظام‌های خارجی متفاوت است و از این تفاوت تحلیل‌ها نیز می‌توان در تحلیل زیان محض اقتصادی بهره برد. به‌عنوان مثال، حقوق خارجی تحمل زیان پولی را بدون این‌که خسارتی به مال یا جسم شخص وارد شود زیان محض اقتصادی می‌داند. در حقوق ایران نیز می‌توان این موارد را زیان دانست، چه تلف اتفاق افتاده است. توضیح این‌که درست است که جسم یا مال شخص صدمه ندیده، ولی هزینه‌ها و خسارات پولی به شخص وارد شده است که مصداقی از تلف مال به حساب می‌آیند. در صورتی که بتوان این زیان را به عامل حادثه منسوب کرد و این انتساب مستقیم باشد، و یا هرچند بافاصله باشد، ولی عرف فاصله را مد نظر قرار ندهد و همچنان رابطه سببیت متناسب را برقرار بدانند، تردیدی در قابلیت جبران خسارات فوق وجود ندارد. بنابراین، حکم به قابلیت جبران چنین خساراتی با قواعد مسئولیت مدنی منافاتی ندارد.

۶. نتیجه

در مقام تبیین مفهوم عدم‌النفع و تمایز آن با مفاهیم مشابه، دیدیم که برخلاف حقوق خارجی، در حقوق ایران عدم‌النفع صرفاً به محرومیت از نفع اشاره دارد و از تقویت منفعت که ناظر به فوت منفعت است، متفاوت است. با توجه به این‌که در حقوق خارجی، عدم‌النفع غیر قابل جبران اعلام نشده است، عدم مرزبندی قاطع بین عدم‌النفع و تقویت منفعت در عمل مشکلی ایجاد نمی‌کند، چه صرفنظر از عنوان خسارت و این‌که این زیان‌ها ذیل کدام دسته از خسارات قرار می‌گیرند، در قابلیت جبران آن‌ها تأثیری ندارد. ولی در حقوق ایران از آن‌جا که ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، به‌صراحت خسارت عدم‌النفع را غیر قابل مطالبه اعلام کرده است، تفکیک مفهوم و قلمرو عدم‌النفع



از مفاهیم مشابه، به‌ویژه تفویت منفعت ضرورت دارد تا دایره شمول ممنوعیت قانونی بدون دلیل توسعه پیدا نکند.

همین‌طور دیدیم که فوت فرصت در مقایسه با عدم‌النفع مفهوم عام‌تری دارد، به طوری که به واسطه فوت فرصت ممکن است خسارت عدم‌النفع یا خسارات دیگری نظیر تلف عین، فوت منفعت و... ایجاد شود.

نیز دیدیم که زیان اقتصادی مفهوم وسیعی دارد، به نحوی که علاوه بر عدم‌النفع، فوت منفعت، فوت فرصت، تلف عین و... را هم شامل می‌شود. بنابراین نمی‌توان آن را معادل عدم‌النفع دانست.

بیان شد که خسارت تفویت منفعت قابل مطالبه است. خسارت ناشی از فوت فرصت نیز اگر به عین، منفعت یا حق وارد شود، بدون تردید قابل جبران است. خسارت عدم‌النفع هم، خواه ناشی از فوت فرصت باشد، خواه به‌عنوان زیان اقتصادی مستقل مطرح شود، در صورت مسلم بودن و احراز رابطه سببیت قابل جبران است. البته با دقت در ارزیابی مسلم بودن ضرر و احراز رابطه سببیت متناسب، می‌توان خسارت عدم‌النفع، فوت فرصت، زیان اقتصادی و زیان محض اقتصادی را به مواردی که ورود آن‌ها از منظر عرف مسلم است، محدود کرد (نظیر عمد زیان‌زننده و یا قابلیت پیش‌بینی آن توسط زیان‌زننده) تا ضمن پاسخگویی مناسب به واقعیات اجتماعی و صنعتی، بتوانیم موضع نظام حقوقی خود را به کشورهای دیگر نزدیک‌تر کنیم.

۷. منابع

- [۱] صفایی، سید حسین و حبیب‌ا... رحیمی، مسؤولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چ ۲، انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
- [۲] سامت، محمدعلی، «فوت منفعت یا «عدم‌النفع» در حقوق ایران و اسلام»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۴۲، زمستان ۱۳۷۷.
- [۳] شکاری، روشنعلی، «نقد و بررسی تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی (عدم‌النفع)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۲، تابستان ۱۳۸۰.

- [۴] شهیدی، مهدی، حقوق مدنی- ج ۳: آثار قراردادها و تعهدات، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲.
- [۵] فصیحی زاده، علیرضا، «تفویت منفعت و مبانی ضمان آوری آن»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل و یک، ش ۳، پاییز ۱۳۹۰.
- [۶] طباطبایی، سید محمد حسین، *نهایه الحکمه*، قابل دسترسی در alhawzaonline.com/almaktaba-almakroaa/book/180-Falsafa/... :
- [۷] جان یوکیو گوتاندا، «مطالبه خسارات محرومیت از منافع (عدم‌المنفع) در دعاوی بین‌المللی»، ترجمه ماشاء اله بنا نیاسری، ویژه‌نامه مجله حقوقی بین‌المللی، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، زمستان ۱۳۸۹.
- [۸] بهرامی احمدی، حمیدو دیگران، «بیمه عدم‌المنفع در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق انگلستان»، فصلنامه صنعت بیمه، س ۲۲، ش ۴، ۱۳۸۶.
- [۹] جلالی لواسانی و احسان اسدالله‌زاده بالی، «بیمه عدم‌المنفع و بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای آن»، ماهنامه تازه‌های جهان بیمه، س ۱۲ (بهمن و اسفند ۱۳۸۸)، ش ۱۴۰ و ۱۴۱.
- [10] Richard M. wise, FCA, FCBV, ASA, *the Law of Damages, Quantification of Economic Damages*, Faculty of Law, McGill University, 1996. Available at: www.wiseblackman.com/english/pdf/Article15.pdf.
- [11] Brent McDade, ASA CBA/BVAL, *Calculating Loss Profit Damages*, 2009, Available at: www.decosimo.com/...CalculatingLostProfits_McDade.pdf
- [12] Stanley Stephenson, David A. Macpherson, and GauriPrakash- Canjels, *Computing Lost Profit in Business Interruption Litigation: A General Model*, Journal of Business Valuation and Economic Loss Analysis, volume 7. Available at: www.degruyter.com/view/j/jbvela.2012.7.issue-1/1932-9156...
- [13] Robert M. Lloyd, *the Reasonable Certainty Requirement in Lost Profits Litigation: What It Really Means*, Transactions: the Tennessee journal of business law, vol.12, 2010. Available at: www.wlf.org/upload/litigation



[/briefs/ SargonvUSC-WLF...](#)

- [۱۴] تقی‌زاده، ابراهیم و هاشمی، سید احمد علی، *مسئولیت مدنی، ضمان قهری*، نشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱.
- [۱۵] امینی، منصور و ناطق نوری، سوده، «مطالعه تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت بررسی اجمالی حقوق اروپا و ایالات متحده آمریکا»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۵، ش ۳، پاییز ۱۳۹۰.
- [۱۶] بادینی، حسن، «بررسی قابلیت جبران «ضرر اقتصادی» در مسئولیت مدنی»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۱، ش ۱، بهار ۱۳۹۰.
- [۱۷] ژودن، پاتریس، *اصول مسئولیت مدنی: همراه با آرای دیوان عالی کشور فرانسه*، ترجمه مجید ادیب، نشر میزان، چ ۲، ۱۳۸۵.
- [18] Marc Stauch, *the Law of Medical Negligence in England and Germany a Comparative Analysis*, Hart Publishing, Oxford and Portland, Oregon 2008.
- [19] Lucy Jones, *Introduction to Business Law*, Oxford University Press, Online Resource Centers. Available at: [fds.oup.com/www.oup.com/pdf/13/9780199289714.pdf](https://www.oup.com/fds.oup.com/pdf/13/9780199289714.pdf)
- [20] John Mendes, Suzanne Duff, *Builder Beware: The Growth in Liability for Construction Deficiencies*, Available at: www.lmlaw.ca/builder_beware.pdf
- [21] Margaret L. Waddell, LLM Paliare Roland Rosenberg Rothstein LLP, *The Limits to Recovery: Economic Loss Claims From the Defendant, s Perspective*. Available at: www.paliareroland.com/docs/articles/the-limits-to...
- [22] Gary L. Wickert, Matthiesen, Wickert & Lehrer, S. C, *Economic Loss Doctrine In All 50 States*, Availale at: www.mwl-law.com/wp-content/uploads/2013/03/economic-loss...
- [23] Cozen O, Conor, *Jurisdictions Comparative Chart: Economic Loss Doctrine*, Availale at: www.cozen.com/.../Economic Loss Rule Chart.pdf.